

مصادیق نوپدید غصب و راهکارهای فقهی جلوگیری از آن

مهدی شوشتری.^۱ مهدی نوروزی.^۲ طاهره مؤذن سلطان آبادی.^۳

نویسنده مسئول: طاهره مؤذن سلطان آبادی. دانشگاه ادیان و مذاهب قم tmm.sahar@yahoo.com

چکیده

غصب یکی از مسائل و مشکلات مبتلا به بشر در حیطه‌ی حقوق مالکیت فردی است که در گذشته تنها در مصادیق خارجی صورت می‌گرفت اما امروزه با پیشرفت امکانات و ایجاد فضای مجازی مصادیق نوپدیدی از غصب نیز به وجود آمده است. هدف این پژوهش تعیین مصادیق نوپدید غصب و ارائه راهکار فقهی برای جلوگیری از وقوع آن است. به نظر می‌رسد از جمله مصادیق نوپدید آن، غصب مالکیت معنوی، غصب عنوان، غصب هویت، غصب ارزش‌های دیجیتال و غصب حساب کاربری است. علاوه بر راهکار حقوقی و استفاده از قوه قاهره برای پیشگیری از وقوع غصب، می‌توان راهکارهای فقهی نیز در جهت جلوگیری از غصب ارائه نمود. راهکارهای فقهی مانند توجه به فقه نظام و مکلف کلان به جای فقه فردی، توجه به فقه پویا و منطبق با تحولات زمان و مکان و پرهیز از جمود در روایات، تناسب اختیارات حکومت اسلامی با ملزومات اجرای احکام اسلامی، تلاش علما و فقها در جهت ارتقای سطح آگاهی و فرهنگ اسلامی جامعه.

واژگان کلیدی: مصادیق نوپدید- غصب- راهکار فقهی.

مقدمه

غصب یکی از مشکلاتی است که از دیرباز بشر را درگیر خود کرده است و باعث سلب امنیت اقتصادی، روحی و روانی جامعه می‌شود. امام خمینی (ره) در تعریف غصب، در کتاب الغصب از تحریرالوسیله چنین می‌فرماید: «هو الاستیلا علی ما للغير من مال أو حق عدواناً»^۴ غصب، استیلاي عدوانی بر چیزی است که از آن دیگری است. چه (آن چیز) مال باشد یا حق. همچنین در ماده ۳۰۸ قانون مدنی آمده، غصب اثبات ید بر حق غیر است. غصب هم یک فعل حرام است و هم ضمان و مسئولیت مدنی را در پی دارد.

^۱. استادیار فقه و مبانی حقوق مجتمع آموزش عالی شهید محلاتی (ره) قم

^۲. استادیار مذاهب فقهی دانشگاه ادیان و مذاهب قم

^۳. دانش آموخته ارشد فقه مقارن و حقوق جزا دانشگاه ادیان و مذاهب قم

^۴. خمینی، تحریرالوسیله (کتاب الغصب): ج ۲، ص ۱۸۵

یکی از علل وقوع غصب عدم شناخت مصادیق آن است. در گذشته بیشتر مصادیق غصب منحصر به امور خارجی و عینی بوده اما امروزه با پیشرفت بشر و ایجاد فضای مجازی، مصادیق جدیدی از غصب نیز به وجود آمده است. مسائل مستحدثه یا نوپدید مسائلی هستند که در آیات و روایات، پیشینه‌ای نداشته و لذا حکم شرعی آنها نیز روشن نیست. اکثر مصادیق نوظهور غصب در بستر فضای مجازی رخ می‌دهد. فضای مجازی با دنیای واقعی تفاوت ماهیتی دارد و اقتضائات و امکانات نوین خاص خود را داراست. اما از آنجا که احکام دین مبین اسلام برای همه شئون زندگی انسان برنامه دارد و مختص زمان و مکان خاصی نیست می‌توان احکام فضای مجازی را نیز با استفاده از قواعد فقهی و اصولی تبیین نمود و با تطبیق عمومات و اطلاقات و یا تنقیح مناط، حکم را از مصادیق واقعی به مصادیق مجازی سرایت داد. چنانکه در کلام امام و ماده ۳۰۸ قانون مدنی آمده، غصب استیلا و اثبات ید بر حق غیر است و روشن است که حق، شامل داده‌های غیرمحسوس فضای مجازی نیز می‌شود. بنابراین با تطبیق تعریف غصب بر دیگر موارد می‌توان آنها را از مصادیق غصب به شمار آورد. تبیین مصادیق نوپدید غصب و ارائه راهکار فقهی برای جلوگیری از غصب، می‌تواند در ترک این منکر مؤثر باشد.

۱. مصادیق نوپدید غصب

در این قسمت مصادیق نوپدید غصب که توسط نگارنده احصا شده، بیان می‌گردد.

۱-۱. غصب مالکیت معنوی

شامل غصب حق تالیف و نشر و کپی رایت است. حقوق معنوی در واقع حق استفاده انحصاری شخص از منافع کار فکری خویش است. مثلاً حقی که تاجر و بازرگان و صاحب صنعت، نسبت به اسم تجاری یا شکل ویژه اجناس خود دارد یا حقی که برای نویسنده و مخترع نسبت به تألیفات یا اختراعات ایجاد می‌شود، جزء حقوق معنوی است که موضوع حالت عینی و مادی ندارد.^۱ در حقیقت حق مؤلف به دو حق جداگانه تجزیه می‌گردد: ۱. حق نشر و انتفاع از نوشته که جنبه مالی داشته و مثل بقیه اموال نویسنده به وراثت منتقل می‌شود. ۲. حق معنوی نسبت به تألیف و نوشته که خاص شخص مؤلف است و بخشی از شخصیت او محسوب می‌شود. حق معنوی نسبت به تألیف را وارثان همانگونه که هست باید اجرا نمایند و در واقع اصل حق به آنها انتقال نیافته است؛ چراکه نویسنده می‌تواند نوشته‌اش را به طور کلی تغییر دهد و نظراتی برخلاف نظرات قبلی بدهد یا حتی آن را از میان ببرد ولی وراثت او حق چنین کاری ندارند.^۲

بنابراین حقوق معنوی، حقوقی هستند منحصر و مختص به صاحب فکر و اندیشه در راستای انتفاع از محصول فکری یا نشانه و نمادش و حق انتفاع از نتیجه فکر و اندیشه و ابداع را به صورت انحصاری به صاحبش می‌دهد. سخن از حقوق معنوی، به حق انحصاری صاحب اثر در انتفاع از اثر خویش و نیز امکان معامله و خرید و فروش این «حق» است که این مسأله، جدا از فروختن خود کالا و محصول برآمده از فکر و اندیشه است. قلمروی نمونه‌های آن هم تنها به تألیفات و آن هم از نوع دینی و

۱. کاتوزیان، مقدمه علم حقوق: ص ۲۵۹

۲. کاتوزیان، مقدمه علم حقوق: ص ۲۸۵

مذهبی، اختصاص ندارد بلکه وسعت بیشتری دارد و شامل هرگونه اثر ادبی، هنری، صنعتی و تجاری و همچنین هر شکلی از نشانه و نماد بازرگانی و غیر بازرگانی اعم از بخش های دینی و مذهبی و یا غیر آن، که پدید آورنده برای آفرینش آن زحمت کشیده باشد، می شود. ادله حرمت غصب، شامل غصب آثار دیگران نیز می گردد که همان اثبات ید بر آثار دیگران بدون مجوز صاحبانشان است، لذا شرع هم حقوق یاد شده را پذیرفته است. بنابراین باید گفت: اولاً حقوق معنوی در زمره موضوعات مستحدثه و نوپدید است که مشروعیت دارند. ثانياً حقوق معنوی، مالیت عرفی دارد، بدین معنا که بر اساس تعریف عرف از مال، گستره اموال، شامل حقوق نیز می شود و حقوق معنوی همه شرایط و معیارهای مال بودن را داراست و ردع و منعی هم از طرف شارع بر آن وارد نشده است.^۱ بنابراین اگر موضوع غصب را مال ارزش دار، بدانیم، شامل حقوق معنوی هم می شود و اگر موضوع غصب را حق، در نظر بگیریم که قطعاً حقوق معنوی را نیز در بر می گیرد.

جهت توضیح بیشتر مالیت حقوق معنوی هم باید گفت که در گذشته، تمامی اموال و دارایی هایی که دارای ارزش اقتصادی بودند، به صورت مادی و قابل رؤیت و ملموس بودند، منتها با پیدایش فناوری دیجیتال این واقعیت که داده های عینی غیر ملموس نیز قابلیت دارند که ارزش اقتصادی داشته باشند و به دنبال آن اطلاعات رایانه ای نیز ممکن است موضوع ارتکاب اعمالی چون غصب قرار گیرند، امری انکارناپذیر است.

در اصطلاح فقها هم مال، عبارت است از هر چیزی که منافع حلال و عقلایی داشته باشد و شارع آثار مالیت را بر آن مترتب نماید و طبیعتاً بیع، صلح و سایر تصرفات در آن را مجاز شمرده و تلف نمودن آن را سبب ضمان بداند. در مقابل، هر چیزی که فاقد منافع حلال بوده و شارع مقدس نیز آثار مالیت را بر آن بار نکرده باشد، مال شمرده نمی شود. بنابراین، ملاک مالیت در داده های مجازی در عصر کنونی وجود دارد و داده ها نیز مال محسوب می شوند و استیلای نامشروع بر آنها از مصادیق غصب به شمار می آید.

از دیگر مصادیق بارز غصب، کپی رایت در فضای مجازی است، اینکه شخص با هک کردن رایانه دیگری از طرق مختلفی همچون شکستن قفل و پسورد، بدون اجازه وی و به صورت عدوانی، اطلاعات او را کپی کند. باید در نظر داشت که کپی رایت را می توان نقض حقوق مؤلف و استیلای بر آن دانست. در واقع می توان گفت حق، مالکیت ضعیف بر مال است که مالکیت بر منفعت از آن قوی تر و مالکیت بر عین، از هر دو قوی تر است.^۲

۱-۲. غصب عنوان

این مورد شامل غصب عنوان یک صنف یا عنوان تجاری دیگران است. غصب عنوان در مواردی رخ می دهد که شخص وانمود می کند سمتی را داراست. برای مثال فرد خود را پزشک یا معاون وزیر معرفی نماید یا اینکه در فضای مجازی فردی خود را قاضی معرفی کند که این موارد می تواند مصداق غصب عنوان باشد. موارد گفته شده باید با عمد و قصد فرد انجام شود در غیر این صورت جرم نخواهد بود. برای مثال صرف تن کردن لباس نظامی بدون عمد و سوء نیت جرم نخواهد بود.

۱. ولی زاده، سلطانی، «مشروعیت و مالیت حقوق معنوی»: ص ۱۴۰ و ۱۵۸

۲. ایزدی فرد و دیگران، «بررسی فقهی حبس داده ها در فضای مجازی»: ص ۵۹ و ۶۲

غصب عنوان افراد عادی نیز ممکن است رخ دهد. برای مثال فردی خود را به جای مالک جا می‌زند و مال وی را می‌فروشد. همچنان که برخی افراد خود را از نزدیکان افراد دارای منصب معرفی کرده و از این طریق کلاهبرداری می‌کنند. ماده ۵۵۵ قانون مجازات اسلامی در بخش تعزیرات، بیان می‌دارد اگر کسی بدون داشتن عنوان رسمی یا اجازة از جانب دولت، در مناصب دولتی که از جهت قانونی به او ارتباط ندارد، دخالت نماید یا خود را با آن عنوان معرفی کند به حبس محکوم می‌شود.

و یا در مورد استفاده از لباس‌های نظامی یا انتظامی در ماده ۵۵۶ آمده اگر شخصی بدون داشتن مجوز و به شکل علنی از لباس‌های رسمی مأموران نظامی یا انتظامی یا نشانها، مدال‌ها یا سایر امتیازات دولتی استفاده نماید به حبس و جزای نقدی محکوم خواهد شد. همچنین در مورد استفاده از لباس نمایندگان کشورهای خارجی در ماده ۵۵۷ آمده که اگر کسی علناً و به صورت غیر مجاز لباسهای رسمی یا یکسان مأموران کشورهای خارجی یا نشان‌ها و مدالها یا بقیه ویژگی‌های خاص دول بیگانه در ایران را استفاده نماید در صورتی که سبب اخلال در نظم عمومی شود، مجازات مذکور در ماده قبل، شامل او هم می‌شود. در زمینه غصب عنوان وکالت نیز در ماده ۵۵ قانون وکالت آمده کسی که پروانه وکالت ندارد در صورت تظاهر به عنوان وکالت و دخالت در کار وکالت و یا استفاده از عناوینی چون مشاور حقوقی و غیره، متخلف است و به حبس محکوم می‌گردد. یا غصب عنوان دکتر، مهندس و ... که ممکن است فرد خود را پزشک، دکتر یا مهندس معرفی کند و از این طریق سوءاستفاده نماید. در قانون مجازات استفاده بدون مجوز از عناوین علمی آمده است که لازمه استفاده از عنوان‌های علمی دکتر، مهندس و امثال این‌ها که کسب آن، شرایط خاصی دارد، دارا بودن مدرک معتبر از مراکز علمی و دانشگاهی داخلی و یا خارجی مورد تأیید رسمی وزارت علوم یا بهداشت و شورای عالی انقلاب فرهنگی است و اگر شخصی مرتکب استفاده غیرمجاز از این عناوین علمی در مکاتبات اداری یا مجامع عمومی یا وسایل ارتباط جمعی شود، به مجازات حبس یا جزای نقدی محکوم خواهد شد. گاه نیز ممکن است عنوان تجاری دیگران غصب شده و مورد سوء استفاده قرار گیرد. عنوان تجاری، نامی است که یک تجارت، برای خدمات یا محصولات خود انتخاب نموده است. اگر شخصی عنوان تجاری را به نام خود ثبت کند و دارای علامت بازرگانی باشد، دیگر این نام و علامت تجاری، متعلق به ثبت کننده است و اگر دیگری از آن استفاده نماید، مرتکب غصب عنوان تجاری دیگران شده است و بر اساس قانون ثبت اختراعات طرح‌های صنعتی و علائم تجاری، قابلیت پیگرد قانونی دارد. بنابراین هرگونه غصب عنوان در فضای مجازی نیز ممنوع بوده و مطابق قانون، علاوه بر جریمه نقدی ممکن است مجازات حبس را نیز به دنبال داشته باشد.

۳-۱. غصب هویت

که شامل استفاده از امضای الکترونیکی، عکس یا نام دیگران است. امضای الکترونیکی، شکل اسکن شده امضای واقعی یک فرد است که امکان کپی و دستکاری و در نتیجه غصب آن وجود دارد. در زمینه غصب عکس دیگران نیز باید گفت که گسترش پیام‌رسان‌ها و شبکه‌های اجتماعی در دهه گذشته باعث شده، بیشتر مردم در سنن مختلف در پیام‌رسان‌های گوناگون، حساب شخصی (اکانت) خود را ساخته و از آن استفاده می‌نمایند. کاربران با عکس پروفایل، خود را به مخاطبان نشان در فضای مجازی معرفی می‌کنند. اما برخی افراد با اهداف مختلف، از عکس پروفایل دیگران در فضای مجازی سوء استفاده

می‌کنند. به عنوان مثال آن را در صفحه‌های مجازی خود برای جذب دنبال کننده (فالور) قرار می‌دهند یا حساب‌های جعلی ایجاد کرده و از آن عکس، سوء استفاده می‌کنند که چنین اقداماتی در قانون، مجازات‌هایی را بدنبال خواهد داشت. اگرچه قانون صراحتاً در مورد استفاده از عکس پروفایل دیگران مواد قانونی ندارد اما بر اساس تفسیر و رجوع به سایر قوانین، برای آن مجازات تعیین می‌نماید.

در ماده ۱۶ قانون جرایم رایانه‌ای که دادگاه‌ها در ارتباط با استفاده از عکس پروفایل دیگران به آن رجوع می‌کنند آورده شده اگر فردی به وسیله سامانه رایانه‌ای نسبت به تغییر یا تحریف عکس دیگران اقدام کند به حبس یا پرداخت جزای نقدی محکوم می‌گردد. اگر فردی عکس پروفایل دیگری را بر روی یک حساب جعلی قرار دهد و از طریق آن حساب اقدام به توهین، افترا و کارهای غیر قانونی نماید مرتکب تخلف قانونی شده است و جدا از استفاده از عکس پروفایل به مجازات‌های دیگری نیز محکوم خواهد شد. یا اگر متهم از عکس پروفایل فرد دیگری در صفحه‌های غیر اخلاقی استفاده کند و یا اگر زیر عکس وی کلمات غیر اخلاقی درج کرده باشد یا کلماتی که موجب هتک حرمت فرد شود استفاده کند، به مجازات حبس محکوم خواهد شد. در مورد غصب نام دیگران هم افرادی هم هستند که اقدام به راه اندازی صفحه‌هایی با نام افراد مشهور کرده و خود را همان شخص معرفی می‌نمایند و در مواردی دست به اغفال دیگران می‌زنند. بنابراین استفاده از امضا، عکس یا نام دیگران، می‌تواند مصداقی از غصب هویت باشد.

۴-۱. غصب ارزهای دیجیتال

ارز دیجیتال نوعی پول دیجیتال است و معادل فیزیکی خارجی ندارد و تحت کنترل هیچ نهاد یا سازمانی نیست. رمزارزها نیز نوعی ارز دیجیتال هستند. این نوع پول نیز در معرض سرقت و غصب قرار دارد به این صورت که هکرها از طرق مختلف می‌توانند به صورت نامشروع بر آنها اثبات ید داشته باشند و آنها را غصب نمایند.

۵-۱. غصب حساب کاربری یا اکانت یا صفحه شخصی

حساب کاربری در نتیجه عضویت در یک شبکه، سرویس آنلاین، رایانه و نظایر اینها ایجاد می‌شود که اطلاعات و تنظیمات شخصی را نگهداری و پیگیری می‌نماید.^۱ یک هکر می‌تواند حساب کاربری دیگران را هک و به آن نفوذ کرده، وارد آن شود یا صفحه شخصی آنها را در شبکه‌های اجتماعی هک نموده و به آن مسلط گردد و به فعالیت‌های آنان نظارت داشته باشد یا اطلاعات شخصیشان را منتشر کند یا به وسیله حساب کاربری دیگران، کارهای تجاری انجام دهد. بنابراین در همه این حالات به صورت نامشروع بر حق دیگران اثبات ید نموده و در نتیجه آن را غصب کرده است. (هک کردن یک اصطلاح تخصصی در حوزه علوم کامپیوتری است که شخص با این عمل، بدون رضایت صاحب حساب به صورت غیر مجاز به آن نفوذ و دسترسی پیدا می‌کند).

۲. راهکارهای فقهی جلوگیری از غصب در مصادیق نوپدید

در این بخش راهکارهای فقهی برای جلوگیری از وقوع مصادیق نوپدید غصب، از دیدگاه نگارنده بیان می‌گردد:

۲-۱. توجه به فقه نظام و مکلف کلان به جای فقه فردی

آنچه به نظر می‌رسد توجه به فقه نظام و مکلف کلان راهکار اساسی در جلوگیری از غصب در موارد نوظهور است. از این طریق فقه می‌تواند پاسخگوی مسائل نوپدید بوده و مناسبات آنها را ساماندهی نموده و در قالب قانون، فرهنگ، ارزش و هنجار به جامعه عرضه نماید.

فقه ما ظرفیت‌های فراوانی برای نظام سازی دارد. اولین نکته‌ای که در این مورد باید مد نظر قرار بگیرد این است که توجه به معنای صحیح فقه پیدا کنیم. به عبارت دیگر در مورد فقه، ما با دو آسیب جدی روبه رو هستیم. یکی این که در بسیاری از دیدگاه‌ها، فقه به فقه فردی و فقه فرعی اختصاص پیدا کرده است. توضیح این که معمولاً این طور گفته می‌شود که موضوع فقه افعال مکلفین است و مکلف را یک شخص حقیقی یا یک شخص طبیعی در نظر می‌گیرند که فعلی باید از او صادر شود تا در فقه مورد بحث و گفت و گو قرار گیرد و حکم شرعی آن در فقه تبیین گردد. بر اساس این نگاه، موضوع فقه، افعال مکلف است؛ آن هم مکلفی که منحصر در شخص حقیقی است. این یکی از آسیب‌هایی است که در برابر فقه ما قرار دارد. موضوع فقه، فقط افعال اشخاص حقیقی نیست؛ موضوع فقه فقط فعل شخص حقیقی و حقوقی هم نیست. موضوع فقه از این عرصه گسترده‌تر است. اگر فقه را این گونه تعریف کنیم، با تعریفی که در روایات آمده، منافات پیدا خواهد کرد، روایات، تعریف دیگری از فقه به ما می‌دهند. فقه منحصر به فقه فرعی هم نیست؛ یعنی فقه علمی نیست که صرفاً به احکام شرعی فرعیه بپردازد. تعریف رایجی که در بیشتر نوشته‌ها دیده می‌شود، همین است و موافق با تعریف استخراج شده از روایات نیست.^۱ حضرت امام (ره) می‌فرمایند: «فقه تئوری کامل انسان از گهواره تا گور است.»^۲ فقهی می‌تواند اینگونه باشد که منحصر به فقه فردی و فقه فرعی نباشد.

در تعریف نظام می‌توان گفت که به مجموعه‌ای از اجزای به هم پیوسته و منسجم و وابسته به همدیگر؛ نظام اطلاق می‌شود که تحول و دگرگونی هر کدام از اجزا بر سایر اجزای دیگر تاثیر می‌گذارد و هر جزء، نقش مشخصی در بقای کل و بقیه اجزا دارد. واقعیت آن است که احکام به ظاهر پراکنده فقهی، دارای یک نظم و نظام‌وارگی اند و همه در جهتی معین و برای رسیدن به اهدافی مشخص، نقش بازی می‌کنند.

منظور از نظام سازی جست و جو، ساخت، ارائه و کشف مؤلفه‌ها و اجزای هماهنگ، منسجم و هدفمندی است که هر یک کارکردهای ویژه خود را دارند. این مجموعه، عناصر به هم پیوسته از مؤلفه‌های نرم افزاری را در کنار هم قرار می‌دهد و با تکاپویی روشمند و بهره‌گیری از منابع عقلی، ارزشی و هنجاری هر مکتب به دست می‌آید. نظام سازی با بهره‌گیری از منابع هر اندیشه، مبانی، اصول، اهداف، احکام، اخلاق و ساختار نظام آن انجام می‌شود. طبعاً برخی عناصر آن ثابت و برخی نیز متغیر و دگرگون شونده است. بنابراین، در نظام سازی صرفاً بحث از آن نیست که عناصر، احکام و آموزه‌های فقهی نظم و ترتیب

۱. ارسطو، «فقه نظام ساز»: ص ۱۷۸

۲. خمینی، صحیفه امام؛ ج ۲۱، ص ۲۸۹

دارند، که امری مفروض است و حتی مخالفان نظام سازی هم ممکن است به آن باور داشته باشند، بلکه بحث این است که پس از نظم اجزا، به هدف داری و امکان کشف برخی مؤلفه‌ها و ساخت برخی دیگر از عناصر ساختار مطلوب نیز توجه شود.^۱ البته تذکر این نکته لازم است که باور به نظام پردازی فقه، به معنای آن نیست که در این دانش برای همه مراحل زندگی و ساختار پیچیده شهری، اقتصادی و سیاسی برنامه‌ای ویژه تنظیم شده باشد و وارد جزئیات آن امور شده باشد، که امری نامعقول به نظر می‌آید. به بیان دیگر، در مسائلی که از قلمرو فقه خارج است، به ضوابط کلان شرعی، معیارها و دستورهای عقلی_عقلایی توجه می‌شود.^۲

طبعاً نمی‌توان به صرف بیان حکم و فتوا، منتظر رسیدن جامعه به سعادت بود، بلکه دستورها باید همراه با برنامه، شیوه عمل و سپس نظام سازی باشد. در غیر این صورت، وضع احکام و قوانین ناقص خواهد ماند و به نتیجه مطلوب نخواهد رسید. در سیره ائمه معصومین(ع) نیز می‌بینیم که تشکیل دیوان‌ها، دفاتر محاسبه، ایجاد نقبای دوازده گانه در مدینه النبی، سازمان وکالت در زمان امام کاظم(ع) و پس از ایشان، روش‌های قضاوت و داوری و تشکیل نهاد حاکمیت و قضا، همه تمهیدی برای برنامه ریزی در جهت طراحی ساختار به حساب می‌آیند که بر اساس دستورهای دینی و تجربه عقلانی بشری شکل گرفته‌اند؛ همچنان که اجرای آموزه‌هایی مانند مشورت، امر به معروف و نهی از منکر، عدم تعدی به حقوق دیگران، دفاع و جهاد، و نفی سبیل به نظام سازی نیاز دارد.^۳

بنابراین مکتبی در عرصه علم و اجرا موفق است که اقدام به نظام سازی کند تا در مقابل حوادث مختلف، راه حل داشته باشد و غافل گیر نشود و نیز قادر باشد برخوردی منطقی و مستدل از خود نشان دهد. اگر به موضوع نظام سازی نپردازیم، ناچار باید نتایج زیان باری را متحمل شویم. یکی از این نتایج زیان بار، ارائه ظاهری تکامل نیافته، ناقص و غیر کاربردی از فقه اسلامی است. اثر زیان بار دیگر مجبور شدن به استفاده از نظام‌های وارداتی است که بر اساس مبانی‌ای استوار شده که حداقل با مبانی اسلامی هماهنگی ندارد و چه بسا در برخی موارد با این مبانی در تضاد باشد. لذا یکی از دلایل توجه و پرداختن به نظام سازی، نیازهای ایجاد شده در دوران کنونی است.^۴ از جمله این نیازها، مصادیق نوپدید غصب است که تنها در سایه ایجاد فقه نظام می‌توان احکام آن را استخراج و اجرا نموده و از این طریق مانع از وقوع آن در جامعه شد.

۲-۲. توجه به فقه پویا و منطبق با تحولات زمان و مکان و پرهیز از جمود در روایات

فقه پویا فقهی است که همگام با تحولات زمانه بلکه جلوتر از آن گام برداشته و از جمود در روایات پرهیز می‌نماید. امام خمینی(ره) با تأکید و احیای چند اصل و مبنا، کوشش نمود تا کارآمدی و پویایی فقه را تضمین کند. هر چند که تشکیل حکومت اسلامی، عاملی نیرومند برای به میدان آمدن فقه شیعی گردید، لکن آنچه توانست در این به صحنه آمدن، نشاط و پویایی و کارآمدی آن را حفظ نموده و قوت بخشد، اصول یادشده است. ایشان در باب فقه پویای شیعی سه اصل را مقصود

۱. سیدباقری، «نظام سازی در فقه سیاسی شیعه: رویکردها و توانمندی‌ها»، ص ۲۵۴

۲. سیدباقری، «نظام سازی در فقه سیاسی شیعه: رویکردها و توانمندی‌ها»، ص ۲۶۱

۳. سیدباقری، «نظام سازی در فقه سیاسی شیعه: رویکردها و توانمندی‌ها»، ص ۲۶۶

۴. ارسطو، «فقه نظام ساز»، ص ۱۷۸

خویش دانسته‌اند:

الف) جامعیت و فراگیری فقه: جامع بودن فقه به این معناست که فقه همه میدان‌ها و عرصه‌های ظاهری حیات انسان را در بر می‌گیرد و شمولیت دارد و به عبارت دیگر «تئوری واقعی و کامل اداره‌ی زندگی انسان و اجتماع از گهواره تا گور است». ب) دیدگاه حکومتی نسبت به فقه: یکی از اصولی که امام خمینی (ره) مبتکر آن بودند اعتقاد به این است که حکومت، فلسفه عملی تمام فقه است. این اصل سبب می‌شود، فقه از کنج انزوای زندگی فردی خارج گشته و به میدان حیات اجتماعی وارد شود و آن را مدیریت نماید.

ج) انطباق فقه با تحولات زندگی: امام خمینی (ره) در جریان ده سال تجربه عملی ساختن فقه شیعی در عرصه‌ی زندگی، رهنمودهایی دارند که از آن می‌توان به عنوان «تئوری انطباق فقه با تحولات زندگی» یاد کرد. اصولی که مبنای این تئوری است عبارت‌اند از: (۱) تأثیر عنصر زمان و مکان در اجتهاد؛ (۲) پویایی فقه؛ (۳) ضرورت وحدت رویه و عمل؛ (۴) اختیارات حکومت اسلامی؛ (۵) پرهیز از جمود در تلقی از اخبار و روایات.^۱

فقه می‌تواند در کنار در نظر داشتن نیازهای هر عصر که سبب دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی در آن می‌شود، افق‌هایی قابل توجه در راستای اعتلا، پیشرفت و سعادت، پیش روی جامعه بگشاید. پویایی فقه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و حقوقی، قادر است مقدمه تحولات جامعه گردد تغییراتی که ایجاد ارزشها، هنجارها و ساختارهای مطلوب را به دنبال خواهد داشت. اگر اجتهاد اندیشه‌ورز و آگاه به اقتضائات زمان در فقه، نقشی فعالانه داشته باشد، خواهد توانست مسیر جدیدی پیش روی پژوهشگران بگشاید. در این روش، اصول و قواعدی وجود دارد و بر اساس آنها زمینه برای استنباط احکام فراهم است.^۲ امام صادق خطاب به هشام بن سالم فرمودند: «علینا إلقاء الأصول وعلیکم التفریع»^۳ یعنی بیان اصول و قواعد کلی به عهده امام است و دیگران باید بر اساس آن اصول کلی، فروع مسائل را برداشت کنند و این برداشت‌ها متناسب با هر زمان و واقعیت‌های جامعه در قالب روش اجتهاد امکان پذیر است.

دانشی که اجتهاد را در این زمینه کمک می‌کند، اصول فقه است که با تاکید بر عقل‌گرایی و نگاهی نو به مفاهیم، می‌تواند آن‌ها را به روز نماید. در این صورت، تفکر اسلامی نظامی بسته نخواهد بود؛ چراکه اجتهاد یک فعالیت مستمر، پویا و استوار بر دو خصوصیت واقعیت‌نگری و انعطاف‌پذیری است. از این طریق می‌توان پاسخگوی دغدغه‌های امت اسلامی در جهان امروز بود.^۴

بنابراین باید منابع فقه، یعنی همان کتاب و سنت را با نگاه پویای اجتماعی و سیاسی و فرهنگی بازخوانی کنیم. اگر کسی با ظرف کوچکی به سراغ دریا برود، قطعا بیش از حجم اندک ظرف خود نمی‌تواند از دریا بهره‌مند شود. ظرفی را باید در اختیار بگیریم که وسیعتر و بزرگتر باشد و با یک چنین ظرفی به سراغ منابع فقهی برویم.^۵

۱. حسینی، «درآمدی بر نظام سازی اسلامی در حوزه سلامت»: ص ۱۳۸

۲. سیدباقری، «نظام سازی در فقه سیاسی شیعه: رویکردها و توانمندی‌ها»: ص ۲۶۴

۳. حرعاملی، *وسایل الشیعه*: ج ۲۷، ص ۶۲

۴. عبداللوی، «روش شناسی علوم اجتماعی اسلامی»: ص ۱۳۹

۵. ارسطو، «فقه نظام ساز»: ص ۱۷۹

اکنون که نیازها و مناسبات جدیدی در جامعه ایجاد شده و به تبع آن مصادیق جدیدی از موضوعات احکام نیز به وجود آمده است، پویایی فقه ایجاب می کند احکامی متناسب با شرایط و وقایع نوظهور، وضع شوند و همچنانکه برای غصب، مصادیق جدیدی ایجاد شده، احکام آن نیز باید به روز شده و متناسب با عناوین جدید، تبیین گردد تا قابلیت جلوگیری از وقوع آن را داشته باشد.

۲-۳. تناسب اختیارات حکومت اسلامی با ملزومات اجرای احکام اسلامی

در واژه حاکمیت، تفوق و برتری نهفته است و حاکم به کسی اطلاق می شود که دارای نفوذ، اقتدار و اختیاراتی گسترده در حوزه حاکمیت است. اعمال ولایت از سوی حکومت اسلامی نیز، قلمروی وسیعی را در بر می گیرد که شامل همه اموری است که از لوازم جدایی ناپذیر حکومت است و در راستای اعمال حاکمیت، وظایف و اختیاراتی نیز بر عهده حاکم اسلامی قرار می گیرد.

روشن است که فقط وجود قانون برای اصلاح و اعتلای جامعه کافی نیست بلکه جهت پیاده سازی آن قوانین، یک حکومت قوی و بااقتدار لازم است که دارای اختیارات کافی برای اجرای قانون باشد. یکی از وظایف حکومت اسلامی برقراری امنیت اجتماعی است. از دیدگاه اسلام، امنیت اجتماعی یکی از اصول مهم و ضروری و اجتناب ناپذیر در زندگی اجتماعی انسانها است و به همین دلیل بر وجوب رعایت حقوق و حریم دیگران پافشاری و تأکید می نماید. حرام بودن تعدی، سرقت، غصب و لزوم امانتداری و... نشانگر اهتمام اسلام به مسأله امنیت اجتماعی است. چنانچه این نعمت الهی در جامعه تهدید شود، حکومت اسلامی موظف است اعمال ولایت نموده، متخلفان را سرچایشان بنشانند و از حریم جامعه حمایت نماید.^۱

بنابراین باید میان اهداف و وظایف حکومت و اختیارات حاکم، تلازم برقرار باشد، به گونه ای که هرچه حکومت، وظایف و اهداف گسترده تری داشته باشد به تناسب، محدوده اختیارات آن نیز باید وسیع تر باشد. اجرای احکام الهی در جامعه مستلزم تمکن و قدرت حاکمیتی است. هدف حکومت اسلامی حداکثری و تحصیل سعادت مردم است، حاکمی که مجری قوانین برای نیل به این اهداف است نیز باید اختیارات گسترده و متناسب با این اهداف متعالی داشته باشد، اختیاراتی که لازمه کار اوست.^۲ علامه مصباح یزدی در این زمینه می گوید: «میان اختیارات و وظایف، باید تناسب و توازن برقرار باشد چنانکه هر قدر وظیفه سنگین تر باشد، اختیارات نیز باید گسترده تر شود. حکومت اسلامی علاوه بر تمام وظایف و کارویژه های حکومت های دیگر، وظایف دیگری همچون ترویج و اقامه شعائر اسلامی، اجرای حدود و احکام اسلام و جلوگیری از تخلف از احکام شریعت دارد که باید در برابر آنها پاسخگو باشد. براین اساس از آنجا که مجموعه وظایف دولت اسلامی در حجم و وسعت، از وظایف دیگر حکومت ها بیشتر است، به طبع باید اختیارات و امکانات آن نیز وسیع تر از اختیارات و امکانات دیگر حکومت ها باشد تا بتواند به خوبی از عهده تکالیف و وظایف خود برآید.»^۳

بنابراین یکی از راهکارهای جلوگیری از وقوع غصب به خصوص در موارد نوظهور، اجرای احکام مربوط به آن است و چنانکه

۱. نوایی، «اختیارات حاکم اسلامی»

۲. پایگاه تخصصی وسائل (فقه حکومتی) بیانات استاد ایزدهی، ۱۳۹۶

۳. پایگاه اطلاع رسانی آثار علامه مصباح یزدی، فصل پنجم محدوده وظایف و اختیارات ولی فقیه، ص ۲۳۴

بیان شد اجرای احکام، لوازمی را می‌طلبد که باید اختیارات حکومت اسلامی با آن متناسب باشد تا بتواند آنها را در جامعه جاری نموده و نتایج مطلوب را به بار آورد.

۲-۴. تلاش علما و فقها در جهت ارتقای سطح آگاهی و فرهنگ اسلامی جامعه

بنا بر مصوبه نقشه فرهنگی کشور که توسط مرکز پژوهش‌های مجلس تهیه شده فرهنگ اسلامی چنین معرفی شده است: «فرهنگ اسلامی فرهنگی مبتنی بر فطرت، قرآن و عترت، ایمان‌گرا، اخلاق محور، خردگرا، جهانی، تمدن ساز، پویا، پاسخگوی مقتضیات و نیازهای زمانه، بدعت ستیز و خرافه زداست.»^۱

هریک از ویژگی‌های مذکور، بیانگر بخشی از فرهنگ والای اسلامی است. در ابتدای این تعریف آمده که فرهنگ اسلامی مبتنی بر فطرت است که امری کاملاً صحیح است. دینداری ریشه در فطرت انسان دارد اما روشن است که امور فطری هم نیازمند رشد و پرورش و ارتقا و مراقبت و تذکر هستند تا به انحراف کشیده نشوند. بدیهی است که علما و فقها با توجه به جایگاه ممتازی که در جامعه اسلامی دارند و نگاهبان دین هستند، نقش اساسی را در این زمینه ایفا می‌نمایند. علما از طریق تألیف کتب، برگزاری مستمر جلسات اخلاق و پاسخگویی به شبهات، می‌توانند ارزش‌های دینی را به مردم آموزش و تذکر داده و باعث رشد و شکوفایی تعهد مذهبی میان آحاد جامعه گردند.

قطعاً در جامعه‌ای که مردمانش از تعهد مذهبی برخوردار باشند، جرم و تعدی به حقوق دیگران از جمله غصب به حد اقل خواهد رسید. نقش علما و فقها برای پرورش و گسترش این تعهد و ارتقای فرهنگ اسلامی و در نتیجه ایجاد یک جامعه فرهیخته که حقوق دیگران را محترم می‌شمرد و به آن تعدی و تجاوز نمی‌کند، بدیهی و انکارناپذیر است.

جمع بندی و نتیجه‌گیری

پیشرفت‌های بشری اقتضای پیدایش مصادیق جدیدی از غصب را دارد. مصادیقی چون غصب مالکیت معنوی، غصب عنوان، غصب هویت و ... نفس تبیین و شناخت مصادیق نوپدید غصب مانند همه‌ی منکرات می‌تواند در ترک آن مؤثر باشد. همچنین در کنار راهکارهای حقوقی جلوگیری از غصب، راهکارهای فقهی همچون توجه به فقه نظام و فقه پویا و ... نیز وجود دارد که توجه به آن‌ها و به کارگیریشان می‌تواند منجر به کمرنگ شدن این فعل ناپسند در جامعه گردد.

۱. مصوبه نقشه فرهنگی کشور، فصل دوم: مبانی، ارزشها و اصول، شماره ۹، مرکز پژوهش‌های مجلس

فهرست منابع

کتاب

۱. عاملی، حر محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ه.ق). *وسایل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البیت (ع).
۲. کاتوزیان، ناصر. (۱۳۹۸ ه.ش). *مقدمه علم حقوق*. تهران: انتشارات گنج دانش.
۳. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۹۲ ه.ش). *تحریر الوسیله، کتاب الغصب*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۴. موسوی خمینی، سید روح الله. (۱۳۸۹ ه.ش). *صحیفه امام*. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.

قوانین و مصوبات

۵. قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری. مصوب ۱۳۸۶
۶. قانون جرایم رایانه‌ای. مصوب ۱۳۸۸
۷. قانون مجازات اسلامی. مصوب ۱۳۷۵
۸. قانون مدنی ایران. مصوب ۱۳۰۷
۹. قانون وکالت. مصوب ۱۳۱۵
۱۰. مصوبه نقشه فرهنگی کشور، فصل دوم. مرکز پژوهش‌های مجلس. مصوب ۱۳۹۱ شورای عالی انقلاب فرهنگی.

مقالات

۱۱. ارسطو، محمدجواد. (۱۳۹۰ ه.ش). «فقه نظام ساز». *ماهنامه سوره* (۵۷-۵۶): ۱۷۸-۱۸۰.
۱۲. ایزدی فرد، علی اکبر. عابدین مؤمنی. سیدمجتبی حسین نژاد. فاضل امیری. (۱۳۹۸ ه.ش). «بررسی فقهی حبس داده‌ها در فضای مجازی». *فصلنامه آموزه‌های فقه مدنی* ۱۱ (۲۰): ۴۹-۷۶.
۱۳. حسینی، سیدحامد. (۱۳۹۷ ه.ش). «درآمدی بر نظام سازی اسلامی در حوزه سلامت». *نشریه بلاغ مبین* (۵۴ و ۵۵): ۱۲۵-۱۵۸.
۱۴. سیدباقری، سیدکاظم. (۱۴۰۰ ه.ش). «نظام سازی در فقه سیاسی شیعه: رویکردها و توانمندی‌ها». *نشریه پژوهش‌های سیاست اسلامی* ۹ (۱۹): ۲۵۱-۲۷۵.
۱۵. عبداللوی، محمد. (۱۳۸۲ ه.ش). «روش شناسی علوم اجتماعی اسلامی». *ترجمه اسماعیل اسفندیاری. فصلنامه حوزه و دانشگاه* ۹ (۳۵): ۱۳۵-۱۶۵.
۱۶. نوایی، علی اکبر. (۱۳۷۸ ه.ش). «اختیارات حاکم اسلامی». *اندیشه حوزه* (۱۸). دسترسی در <http://ensani.ir>. ۱۴۰۱/۴/۱.
۱۷. ولی زاده، محمدجواد، عباسعلی سلطانی. (۱۳۹۴ ه.ش). «مشروعیت و مالیت حقوق معنوی». *فصلنامه آموزه‌های فقه مدنی* ۷ (۱۱): ۱۳۷-۱۶۰.

پایگاه الکترونیکی

۱۸. پایگاه تخصصی وسائل (فقه حکومتی) بیانات استاد ایزدهی، ۱۳۹۶. گستره اختیارات فقیه حاکم. <https://vasael.ir>
۱۹. پایگاه اطلاع رسانی آثار علامه مصباح یزدی، فصل پنجم محدوده وظایف و اختیارات ولی فقیه. <https://mesbahyazdi.ir>
۲۰. پایگاه فرهنگ واژگان تخصصی. <https://meftah.com>